



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹ / ۰۳ / ۰۷

ملیحه نایاب «ابوی»

نویسنده کتاب فرشته سعادت «زن»

به دو چیز جفا صورت گرفته است یکی «دین» است و دیگری «زن»

اولتر از همه هشتم مارچ روز بین المللی زن را به همه زنان افغان در سراسر جهان و خاصاً به خانم اول کشور تبریک میگویم. قابل یاد آوری میدانم که در طول صد سال اخیر بعد از خانم شاه امان الله خان، خانم اشرف غنی اولین زن رئیس جمهور میباشد که دوشادوش شوهرش بدون کدام ترس و هراس در برابر مردم و اجتماع ظاهر گشته و در کنار زنان کشور قرار گرفته است. تاریخ ثابت ساخته که نقش زن رئیس جمهور در سرنوشت زنان یک کشور تأثیر گذار و پر اهمیت میباشد، بخصوص در کشور های اسلامی، نهضت زنان را در دوره سلطنت شاه امان الله نباید از یاد برد. خداوند تعالی زن و مرد را از نعمت آزادی و حقوق مساوی برخوردار ساخته است تا در امور دینی و دنیایی خود شان تصمیم بگیرند که متأسفانه زنان مسلمان از حقوق دینی شان که متضمن حیات اجتماعی و سیاسی آنها میباشد محروم ساخته شده اند، ولیکن در دیگر ادیان زنان از این حقوق یعنی دین شان برخوردار می باشند.

در زمان حیات پیغمبر اسلام زن و مرد مسلمان در مسجد و مقابل منبر بدون تعصب و تبعیض قرار می گرفتند که شهادت زن در انوقت مورد قبول و احترام قرار میگرفت. زنان مسلمان در ادوار مختلف در گرو عقاید ناپسند و افکار سنتی قرار گرفته اند که اگر برای زن در مسجد جا داده شود باید عقب پرده و یا هم در اتاق جدا باشد...

دو سال قبل موقع نماز ظهر به مسجد عبدالرحمان که در قلب کابل موقعیت دارد جهت ادای نماز رفته بودم، چون بار اول بود به سمت روان شدم که مردان به آن طرف می رفتند، اما جوانی جلو راه مرا گرفت و گفت: لطفاً تیر های که در دیوار نصب است آنرا تعقیب کنید به عقب تعمیر منزل دوم جای نماز برای زنان می باشد، وقتیکه داخل اتاق بزرگ شدم صرف از فرش آن معلوم می شد که جای برای نماز خواندن است دیگر نشانه از محراب و منبر به چشم نمی خورد... این حقیقت کاملاً روشن است که راه ندادن و عقب نگاه داشتن زنان از منبر به دلیل است تا زنان به دیگر حقوق اجتماعی و سیاسی خود رسیده نتوانند که این خود بزرگ ترین جفا در حق زنان مسلمان می باشد. امروز با وجود آنکه زنان کشور در ارگان های دولتی شامل وظایف مهم می باشند، ولیکن در محاکم کشور حق شهادت دادن را ندارند و شاهد بایست از جنس مرد باشد، این به ما می رساند که تا چه اندازه دیدگاه ها و ذهنیت های تبعیض آمیز و زن ستیز بالای زندگی زنان مسلمان در کشور ما سایه افکنده و آنها را متأثر ساخته است.

درسوره آل عمران آیت ۴۳ خداوند تعالی به حضرت مریم میفرماید: ترجمه (ای مریم پروردگارت را یاد کن نماز به پا دار با رکوع گزاران و سجده گزاران سجده و رکوع کن)... اینجاست که تساوی حقوق زن و مرد بدون تبعیض جنسیت آشکار شده و صدای دیموکراسی و آزادی به گوش میرسد.

حضرت مریم دور از انتظار مردم به درگاه خداوند مشغول عبادت می بود، اما وقتیکه پروردگار برایش دستور داد تا بدخل معبد که همه مردان بودند رفته و در آنجا با جمع مردان یکجا سجده و رکوع کند، یعنی نگذارد تا معبد مردانه باشد زنان هم حق اشتراک را داشته باشند... مردان از دیدن مریم تعجب کردند و گفتند که خود مریم هرگز چنین جرات نمیکرد تا داخل معبد بیاید، حتماً به امر خداوند آمده است و ما باید تسلیم امر پروردگار باشیم. امروز زن و مرد عیسوی که هر دو دارای حقوق مساوی دینی، اجتماعی و سیاسی میباشند یعنی بدون کدام تبعیض و تعصب از یک دروازه به داخل کلیسا رفته و از همان دروازه خارج میگردند.

تا سال دو هزار زنان یهودی اجازه رفتن به احاطه دیوار مقدس را نداشتند نظر به تعصب تند روان یهودی که کمتر از طالبان تاریک نظر مسلمان نبودند، ولیکن در اثر مبارزات حق طلبانه خود زنان و به کمک روشنفکران و نهاد های مدنی که دولت از آنها حمایت مینمود یعنی عساکر در اطراف محوطه امنیت آنها را گرفته بودند، و در آن روز تاریخی زنان یهودی موفق شدند از حق دینی شان که جبراً محروم شده بودند به محوطه دیوار مقدس رفته به هدف دیرینه خود برسند. احاطه دیوار که قبلاً کاملاً مردانه بود. امروز به صورت مساویانه با کتاره ساده دو قسمت شده است که سمت راست برای زنان و سمت چپ برای مردان اختصاص داده شده است. با آنکه نظر به بعضی مشکلات

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

تعداد زنان همواره در عبادتگاه ها و مراسم مذهبی کمتر میباشند ولی با آنهم احاطه دیوار عادلانه بدون تبعیض تقسیم گردیده است

سوال در اینجاست که چرا زنان مسلمان با داشتن دین کامل و آسان مانند زنان دیگر ادیان به حقوق دینی خود نرسیده اند. در حقیقت منبر و مسجد که مثل وحدت عدالت و برابری میباشد، متأسفانه زنان مسلمان از آن بی نصیب مانده اند. رسول خدا فرمود: خداوند تعالی مرا به دین سهل و آسان معبوث ساخته است ولیکن امت من با پیروی از هوای نفس همه چیز را به خود دشوار ساخته است.

در روایت آمده است که خلیفه دوم حضرت عمر در مسجد در مورد کم کردن حق مهر صحبت نمود زنی در دفاع از حق خویش در برابر منبر صدای اعتراض اش را بلند کرد، و عمر رض خود را به منبر رسانید و گفت این زن راست میگوید و من اشتباه کردم. این منبر و مسجد است که باید از عدالت اجتماعی و حقوق تلف شده مردم بخصوص زنان مسلمان در آنجا دادخواهی صورت بگیرد، کسانی که در حق دین و در حق زن این ستم را روا میدارند یعنی احکام دین را به صورت اصل و درست آن به مردم نمی رسانند نزد پروردگار جوابگو بوده عذاب شدید در انتظار شان خواهد بود.

یکی از مشکلات عمده اجتماعی که در طول تاریخ دامنگیر زنان مسلمان گردیده و زندگی آنها را با بدبختی ها زیادی دچار ساخته است همین چند همسری ناعادلانه میباشد که خداوند تعالی نه در دین یهود و نه هم در دین عیسوی به مردان چنین اجازه را داده است، تا دو، سه، چهار زن بگیرند. در سوره نحل آمده است که اگر به مشکل مقابل شدید که راه حل پیدا کرده نتوانستید به ادیان گذشته یعنی اهل کتاب مراجعه کنید. هارون رشید وقتیکه به کدام موضوع مهم فقی بر میخورد که حل آن مشکل بود، از علمای یهود (یمن) دعوت میکرد تا موضوع به صورت درست تحلیل و تفسیر شده تصمیم گرفته شود. علمای اسلام آیت چهارم سوره نساء را از آنجا که ازدواج با دو، سه و چهار زن آمده است آغاز میدارند و نه از شروع آن که اشاره به دختران یتیم شده است چون عرب ها که دختران یتیم را نگاه داری میکردند وقتیکه دختران به سن بلوغ جسمی میرسیدند نه بلوغ عقلی با آنها ازدواج میکردند. در قرآن اشاره به منع ازدواج با دختران یتیم «صغیر» شده است تا بجای آن ازدواج با زنان بی سرنوشت که در آن زمان به تعداد زیاد بوده است «دو، سه، و چهار» بگیرند، چنانکه پیغمبر خدا با زنان مطلقه، بیوه و بی سرپرست ازدواج نموده است تا جامعه از فقر و فساد پاک گردد، روش پیغمبر را تعقیب نکرده با دختران جوان ازدواج میکنند، که نباید ازدواج چند همسری بخاطر عشق و هوس صورت بگیرد. خداوند تعالی میفرماید: (ترجمه) در موقع عقد دختران یتیم اگر بترسید از اینکه در حق آنها به عدالت رفتار نکنید و در اموال آنها تصرف کرده مهریه شان را نرسانید در اینصورت آنها را نکاح نکنید. غیر آنها از زنان که برای شما حلال و پاکیزه اند و خودتان دیده و پسندیده اید دو یا سه و چهار میتوانید تزویج نمایید، اگر بترسید که نتوانید بین آنها به عدالت رفتار کنید در آنصورت یک زن بگیرید. اشاره شده که اگر حق مهر دختران یتیم را پرداخته نمیتوانید چون آنها صغیر بودند مهریه باید در موقع عقد پرداخته شود که دختر باید به سن رشد عقلی رسیده باشد تا مال و مهریه خود را حفاظت کرده بتوانند، پس ازدواج با یتیم که صغیر میباشد خداوند آنرا منع میکند، سن ازدواج کاملاً روشن بوده که رشد عقلی میباشد نه رشد جسمی. در حقیقت تهمت به پیغمبر خدا که با عایشه به سن هشت سالگی ازدواج کرده است درست نبوده، زیرا در چندین جا سن ازدواج رشد عقلی آمده که در سراسر جهان آنرا هژده سالگی میدانند. هیچگاه از عالم دین نشنیده ایم که ازدواج با صغیر را رد کرده گناه بدانند. در مورد عدالت در میان زنان که در قرآن به آن اشاره شده است باید گفت که حتی پیغمبران نتوانستند تا عدالت را در میان زنان خود برقرار نمایند. ابراهیم ع تا به سن پیری به همان یک زن خود سارا زندگی میکرد، بعداً با اجازه زن اولش همراهِ هاجره ازدواج کرد، اما بعد از تولد اسماعیل فرزندش حضرت ابراهیم بیشتر نزد هاجره که زن جوان و مادر فرزندش بود میرفت. آتش کینه و حسادت در قلب سارا پیدا شد و خواست به مادر و پسر آسیب برساند که به امر خداوند آنها به سرزمین دیگر یعنی مکه هجرت کردند. یعقوب پیغمبر که دوازده فرزند داشت یوسف و بنیامین را که از زن دوم بود بیشتر دوست می داشت عدم محبت عادلانه در میان زنان و فرزندان سبب شد تا آتش خصومت و حسادت در قلب فرزندان یعقوب شعله ور شده و تصمیم از بین بردن برادرشان یوسف را بگیرند، وقتیکه یوسف با برادران و پدرشان مقابل گشت، فرزندان یعقوب خطاب به پدر گفتند، توجه خاص به یوسف و مادرش همچنان کم مهری نسبت به ما این ماجرا را ببار آورد.

در سوره نساء خداوند میفرماید: بر زنان ظلم نکنید که دست خداوند قوی تر و بالا تر از دست شما بالای زن است... ظلم و خشونت که بالای زنان صورت میگیرد و صدای شان به گوش ها هم نمیرسد اگر قتل را مرد انجام میدهد تاوانش را زن می پردازد تا بجای قصاص دختر جوان را به بد بدهند و مظالم دیگر. به هر تعداد کتاب در مورد زندگانی پر از درد و رنج زنان بی دفاع نوشته شود کم است. وای به حال آن سرزمین که آه و ناله آشکار و پنهان زن به آسمان بلند میشود که به جز خود زن و پروردگارش کسی دیگر آنرا شنیده و احساس کرده نمیتواند، همچنان وای به حال آن ستمگاران که از خداوند ترس در دل جا نداده با سرنوشت زنان بازی میکنند.



یکی از عوامل خشونت که بالای زنان روا داشته شده است حجاب اجباری میباشد که زنان در دوره های مختلف مجبور به پوشش چادری یا نقاب شده اند، یعنی در طول تاریخ این پدیده چندین بار تکرار شده است زمانی به آزادی نسبی رسیدند و بعد دوباره مجبور به پوشش حجاب اجباری (چادری و نقاب) شده اند در تصویر یکی از خانم ها از افتیدن ها و زخمی شدن هایش شکایت کرده و زار می گریست چون یکبار که به شدت صورت و بینی اش ضربه دیده بود، جهت تداوی به هندوستان رفت و آرزو میکرد تا این مصیبت و تاریکی از سر زن های مسلمان بطور دایم دور ساخته شود.

در قران سوره احزاب راجع به حرمت حجاب آمده است: (ای پیغمبر! به زنان به دخترانت و زنان مومنین بگو تا موقع برآمدن از منزل جلبات خود را بر سر بی اندازند.) ضرورت به پوشش حجاب بخاطر محافظت و احترام آنها بوده است، این حکم خاص به زنان، دختران پیغمبر و زنان مؤمنین آمده است، تا از زنان دیگر فرق شده باشند. و اگر چنین بوده باشد پس امروز چرا زنان بصورت عام بایست به پوشش حجاب مجبور ساخته شوند.

قبل از عیسویت حجاب در سرزمین یونان در یک جزیره گروپ از مردم که خود را بر دیگران برتری داده (اشراف زاده ها) میدانستند زنان شان را در پوشش سراپا «حجاب» قرار میدادند تا مردم هویت آنها را نبینند و مورد احترام قرار گیرند این برتری خواهی آنها سبب شده بود تا دیگران جرأت نکنند از آنها تقلید کنند.

در عیسویت همچنان صرف حجاب را زنان که در خدمت کلیسا ها قرار داشتند «راهبه ها» مورد استفاده قرار میدادند تا از دیگران خود را فرق داده مورد احترام مردم قرار گیرند، یعنی دیگر زنان اجازه پوشش و تقلید از آنها را نداشتند...

در روایت از انس ابن مالک آمده است که روزی حضرت عمر رض به راه روان بود، دید یک زن عادی مانند زنان پیغمبر سر انداز بر سر خود انداخته است، با عصای خود سرانداز را از سرش بلند کرد و گفت این حجاب مخصوص زنان دختران و زنان مومنین میباشد، نه برای شما زن ها. پس حجاب نباید همه شمول باشد تا زنان فاسقه و صالحه از هم فرق شده، شناسایی شده بتوانند و حرمت حجاب محفوظ بماند. بعضی کشور ها آنرا بصورت عام و حتی اجباری ساخته اند مانند کشور های عربی که خود را مؤمن می شمارند و اما در فساد اخلاقی غرق بوده، زنان و دختران شان را زیر پوشش حجاب پنهان داشته اند که به نام اسلام صدمه بزرگ میرساند.

زنان و دختران پیغمبر برای مردم مشخص بودند، مؤمنین که آنها نیز یک گروپ خاص بودند و نباید سخاوتمندانه همه مسلمانان را مؤمنین خطاب کرد و این یک جفای بزرگ در حق مؤمنین خواهد بود. در سوره مومنین صفات را که یک مؤمن دارد، در میان مسلمانان آن صفات دیده نمیشود، پس هر مسلمان را مؤمن نامیدن جفاست. زحمات را که آنها به خرج داده با نفس خود مبارزه کرده اند تا به درجات بلند ارتقاء یافته و به مقام مؤمنین رسیدند. برای شناخت درست از مومنین. (در جنگ احد، زمانیکه رسول خدا یک تعداد را بالای تپه موظف ساخت تا زمان در آنجا باقی بمانند که از جانب پیغمبر برای شان احوال برسد و همینکه صدای پیروزی بلند شد تعداد از آنها منتظر نمانده و تپه را ترک کردند، مگر تعداد محدود، آیا کسانی که بالای تپه باقی مانده بودند و آنده کسانی که تپه را ترک کردند همه یکسان بودند و همه آنها را مؤمنین خطاب کرد؟ همانطوریکه امام مسجد الازهر در مورد چند همسری اشاره کرد که ظلم در حق زنان مسلمان حساب میشود بایست در مورد حجاب اجباری نیز روشنگری صورت گیرد تا چهره واقعی از اسلام به مردم جهان نمایان گردد.

پایان